

دیوان عطا

مجموعه ی شعر

جمشید عطا خان زاده

چاپ اول

۱۳۹۰



جمشید عطاخان زاده

دیوان عطا : مشهد : یوتیمار ، ۱۳۹۰

۳۷۲ ص

ISBN: 978-964-9963-44-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱ شعر فارسی : قرن ۱۶ : الف : دیوان

۷۵۸۸ PIR. ۳۷۷

۸۵۱۳۹۰

۶۲، ۱

۸۷۸ - ۹۰ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات یوتیمار

دیوان عطا

شاعر : جمشید عطاخان زاده

طرح جلد : جاوید علیوندی

ویراستار : داوود ملک زاده

لینوگرافی : شایان

چاپ : شمس

نویت چاپ : اول ۱۳۹۰

تیراژ : ۱۰۰۰

حق چاپ محفوظ است

دفتر انتشارات

مشهد : صندوق پستی ۹۱۳۷۵-۱۵۵۳

تلفن : ۰۵۱۱-۸۴۵۰۶۴۹

همراه : ۰۹۱۵۵۱۳۸۳۷۸ - ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸

hosein.fazely@gmail.com

❖ فهرست

مقدمه ۹

زندگی‌نامه ۱۳

اشعار ترکی

به به بو مقامه ۱۹

سقال اغاردی ۲۱

پامادور ۲۳

دده ۲۵

حکیم تک ۲۷

بادمجان ۲۸

امر ائله صاحب‌زمان! ۳۰

دردیمه ایله دوا ایندی طیبیم سن سن ۳۲

سلطان دی محمد(ص) ۳۴

خیار ۳۶

آستاراموز ۳۸

جام جهان آستاراموز ۴۰

اکینجی ۴۲

وطن ۴۴

پرستار ۴۵

ظلمه باش اگمه اوزون سالما مقامیتدن ۴۷

آغلاندی ۴۹

ای تاری آماندی ۵۱

دنیا ۵۴

سن صفا گتور ساقی ۵۵

۵۶	الوان اولدی
۵۸	اریمین رهبردی
۶۰	انسان آختار
۶۱	اوستا اللهوئرن
۶۳	دکترلر
۶۵	بیمارستان مقامی
۶۸	بیزیم ائوده
۶۹	حاتم طایی
۷۰	سیمان الوندن
۷۲	غریبده عمریم
۷۴	سواد
۷۶	ائدرم جانیمی قوریان
۷۸	بو گنججه
۷۹	اولمیان یئرده
۸۱	دنیا مالی
۸۳	قاشلارون هلالینده
۸۵	بیر قیز
۸۶	دیوانه کیمی
۸۷	رای وئرون آی جماعت!
۸۹	انصاف الله
۹۲	باغبانی ایرانون
۹۵	بهار وطن
۹۷	بیر اؤچی
۱۰۰	پول
۱۰۲	بهروز قارداش
۱۰۵	وحدتینین بهاریدی
۱۰۷	یازدی عطا کئچن گونون سوزلرین
۱۱۰	بیزیم بهاریمز
۱۱۱	بیست و دوی بهمن
۱۱۳	پولدور پول

۱۱۵	پیمانه‌ده گۆرسىم
۱۱۷	جاندا معلم
۱۱۹	تار و مار ئولدى
۱۲۱	خوش گۆنۈم
۱۲۳	حسرت چكۈرم
۱۲۵	پولۇم اۇلسون
۱۲۷	سنى جانا كۆنۈل ايستر
۱۲۹	كتدى وكىل
۱۳۱	سۈادلى وكىل
۱۳۳	جاموندا
۱۳۵	جان گىرەك ئولسبون
۱۳۷	جىرائىم
۱۳۹	چاي باغى اكديگىم ايل
۱۴۲	سىماور
۱۴۵	وام
۱۴۶	سوغان
۱۴۸	نازلى نگارىم
۱۵۰	مىرفغان
۱۵۲	يانور
۱۵۴	حسنىم وای
۱۵۵	دردیمه درمان اولمادی
۱۵۷	دکتر صادقى
۱۵۸	دور بىقاسن
۱۵۹	رمضان
۱۶۱	رهبر سالار وطن
۱۶۳	زلف سمن
۱۶۴	سە دیوانه دئدیم
۱۶۶	شیران بسیجی
۱۷۰	صلح و صفا
۱۷۲	عشق عالمینه

۱۷۴	فلکون قذی بوکولسون
۱۷۵	یار مهربان
۱۷۷	گلون امدادیمه
۱۷۸	وطن گؤللری
۱۸۰	وطنیم سن وطنیم سن وطنیم
۱۸۲	عشقیمنی انکار ائله مه
۱۸۴	فخر ائت آنا
۱۸۶	قار یاغوب
۱۸۸	قنزیل گوله
۱۹۱	وطن اوغروندا
۱۹۵	کیوی باغی
۱۹۶	گؤللی بهاریم منیم
۱۹۸	من حسینم
۲۰۰	نیه پڑمان کئچدی؟
۲۰۲	ننه!
۲۰۴	گؤلدی
۲۰۶	هر چه بادا باد
۲۰۸	ملک وطن
۲۱۰	گوله گوله
۲۱۲	یرألما
۲۱۵	امام رضا (ع)

اشعار فارسی

۲۲۱	دل غم دیده
۲۲۳	امام زمان (عج)
۲۲۵	دوراهی
۲۲۶	پیر صغان
۲۲۸	جان جانان: آستارا
۲۳۰	برزگر

۲۳۱	پرستاران
۲۳۲	معلم
۲۳۴	همه شب گریانم
۲۳۵	نه ابله زمانم
۲۳۷	فاطمه
۲۳۸	یار
۲۳۹	دل
۲۴۰	فصل بهار
۲۴۲	درخت کاری
۲۴۳	جفای فلک
۲۴۴	وکیل
۲۴۶	سردار جنگل
۲۴۸	دل به هر دل بر مدها
۲۵۰	صاحب الزمان
۲۵۲	وحدت
۲۵۴	مقام زن
۲۵۶	گل خوش بوی محمد (ص)
۲۵۸	هفته ی جنگ
۲۵۹	ناز می کنم
۲۶۱	قطره ی شبنم
۲۶۳	من پرستارم
۲۶۴	نقاب چهره ی یار
۲۶۶	من مرد بیابانم
۲۶۸ تا ۲۷۲	عکسها

مقدمه

با عنایت باری تعالی مطالبی چند را در خصوص اشعار عطا و چگونگی گردآوری آن در ذیل بیان می‌شود، امید است توانسته باشیم رضایت خوانندگان را جلب نموده و حسن مطلب را رسانده باشیم. قبلاً از هر گونه قصور و نواقصی که در هنگام گردآوری و انتشار و مراحل دیگر ممکن است پیش بیاید عذرخواهی می‌نمایم.

اشعار عطا ساده، صمیمی، دل‌نشین و مردمی است. دنبال اصطلاحات پیچیده و دور از ذهن نیست، و عامه‌فهم و مردمی است. گاهی انسان تعجب می‌کند که یک فرد کم‌سواد که هیچ آشنایی با قواعد عروض و شعر ندارد چگونه توانسته است این کلمات هماهنگ و زیبا را خلق کند؟! تنها جوابی که می‌شود داد این است که وی ذوق و استعداد ذاتی داشته است، گاهی با خواندن بعضی اشعارش تعجب می‌کنم که چگونه ناخودآگاه از انواع و اقسام آرایه‌های ادبی استفاده کرده است، چیزی که هست این که شعر گفتن به داشتن مدرک بالای تحصیلی و یا دانستن انواع قواعد شعری و آرایه‌های ادبی نیست بل که ذوق و قریحه می‌خواهد و نیرویی که انسان را وادار کند به گفتن جملات آهنگین، دنیایی سخن را درسخنی مؤثر بگنجاند و دیگران را از سخنان خود متأثر سازد.

عطا شاعری نبود که دنبال قافیه و ردیف بگردد بل که حرف دل خود را ساده و به دور از هر گونه پیچیدگی و با استفاده از واژگان ساده بیان می‌کرد، شعرهای نو و فرانو را نمی‌شناخت، دنبال یافتن قالب‌های شعری نبود و خود

را در پیچ و تاب آنها گم نمی‌کرد اما حرف‌هایش را مؤثر، گیرا و مردم‌پسند بیان می‌کرد کاری که کم‌تر کسی توانسته است در قالب‌های مختلف شعری بگنجاند.

از نظر قالب‌بندی می‌توان گفت که بیش‌تر شعرهای عطا در قالب مثنوی است اما با محتوای غزل. مضمون اشعارش ساده است و امکان استفاده برای عموم مردم وجود دارد بیش‌تر اشعارش به زبان مادری یعنی ترکی سروده شده است اما اشعار فارسی زیادی نیز دارد که از نظر مضمون و ارزش شعری نسبت به اشعار ترکی در درجه‌ی دوم است.

به خاطر علاقه‌ی شدیدی که به کشاورزی داشت بیش‌تر اشعارش را در رابطه با محصولات کشاورزی می‌سرود و انصافاً در این کار مهارت خود را نشان داده است و همین کار باعث شده است که به شاعر تیره‌بار مشهور شود. عطا وقتی شعرهای خود را می‌نوشت ابتدا برای ما می‌خواند و نظرخواهی می‌کرد و ما هم گاهی نظراتی می‌دادیم و سعی می‌کردیم نواقص عروضی را برطرف کنیم غافل از آن که ایشان اشعارش را مقید بر قواعد عروضی نمی‌دانستند با این حال بدون هیچ‌گونه ناراحتی می‌پذیرفت و اصلاح می‌کرد. او ابتدا در شعرهایش «جمشید» تخلص می‌کرد اما پس از مدتی بنا به پیشنهاد حقیر و خانواده، تخلص «عطا» را برای خود برگزید و در شعرهایش از آن استفاده نمود.

در گردآوری و ویرایش و چاپ این مجموعه، هم‌سر محترم شاعر و فرزندان وی به‌خصوص پسر بزرگ‌شان آقای زین‌العابدین و دختر شاعر خانم سیمین (هم‌سر این‌جانب) با بنده هم‌کاری نزدیک داشته‌اند که جا دارد از همه‌ی آن‌ها تشکر نمایم.

از جمله شاعران بزرگوار و محترمی که مرتب با عطا تماس داشت و نوعی دل‌گرمی برای شاعر بود؛ جناب آقای اکبر اکسیر، شاعر توانای آستارایی بود که ارادت خاصی به ایشان داشت و همیشه با رضایت از ایشان یاد می‌کرد. ایات زیر از آقای اکسیر است که در زمان بیماری عطا سروده و به هنگام عبادت به شاعر تقدیم شده است:

گرم از غزل ناب تو شد چشمه‌ی خورشید
از سینه‌ی شب سر زد و چون ماه درخشید
گفتند: غزل‌خوان شب شعر شما کیست؟
فریاد زدیم از دل و گفتیم که: «جمشید»

✽

امیدواریم بتوانسته باشیم با چاپ اشعار این شاعر صمیمی، مهربان و انسان‌دوست قدمی کوچک در احیای شعر ساده و مردمی برداریم که مورد پسند عامه است و دل شاعر فقید را شاد و خوش‌حال گردانیم و دعای خیر خوانندگان نیز نصیب روحش گردد. چنان‌که در این مجموعه کم و کاستی دیده شود از خوانندگان عزیز عذرخواهی می‌کنیم و از خداوند منان می‌خواهیم که به همه توفیق سلامتی عطا فرماید.

رضا حکمت و خانواده‌ی شاعر

زندگی نامه

در خرداد ماه سال ۱۳۱۳ و در آن هوای دل‌انگیز بهاری - تابستانی در شهر کوچک آستارا از پدر و مادری به نام «ابیش» و «تریش» فرزندی به دنیا آمد که وی را جمشید نام نهادند. از همان طفولیت، پدر خود را ازدست داد که ضربه‌ی ناگواری بر وی وارد شد. در یازده سالگی در حالی که در کلاس چهارم ابتدایی مشغول تحصیل بود، مادرش نیز به رحمت ایزدی پیوست. این ضایعه در زندگی او جبران‌ناپذیر بود و هیچ چیز و هیچ‌کس نتوانست جای آن‌ها را بگیرد، لذا درس و مشق را رها کرد و به دنبال کسب و کار رفت.

دوران نوجوانی و جوانی خود را در محله‌ی تله‌سیفی آستارا و با حمایت خان‌های پدرش به نام مینا سپری کرد. عطا سه برادر و دو خواهر داشت که همگی در کودکی و جوانی فوت کردند و عطا تنها بزرگ‌شده و به تنهایی دوران سختی را پشت سر گذراند.

از همان طفولیت، نبوغ شعری وی آشکار شد. زمانی که دانش‌آموز بود سرودن شعر را آغاز کرد و عضو گروه سرود مدرسه‌ی خود شد. در اوایل انقلاب جهت اشتغال به تهران رفت و در انیستیتو پاستور استخدام شد اما غربت و تنهایی نگذاشت وی در تهران ماندگار شود.

بالاخره از تهران دل کند و به آستارا برگشت و در زادگاه خود به بیمارستان دکتر شریعتی منتقل شد. عطا در مدتی که در این بیمارستان مشغول بود به کارهای

کشاورزی نیز اشتغال داشت، به طوری که این علاقه در بیمارستان نیز خودنمایی می‌کرد و در هنگام بی‌کاری در حیاط بیمارستان به کاشتن گل و گیاه می‌پرداخت. این کار موجب شادی و نشاط کارکنان و مراجعه‌کنندگان نیز می‌شد.

در جوانی صدای خوبی داشت به طوری که حدود چهار سال در ایام محرم به مداحی در مساجد صاحب‌الزمان، عباسیه‌ی آستارا و لمیرمحلّه مشغول بود که بعدها به علت مشکلات حنجره، آن را کنار گذاشت اما گاه‌گاهی اشعاری مذهبی می‌سرود و با صدای گرفته و سرفه‌های پی‌درپی اما با شور و اشتیاق فراوان برای حاضران در مسجد و مراسم می‌خواند.

در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ هم‌زمان با آغاز کار کانون شعرآستارا، بنا به دعوت دوستان از جمله آقای رسول آهنی به این کانون پیوست. وقتی که عضو کانون شعر و ادب شهریار شد شادروان غفورخیامی طریقه‌ی صحیح سرودن شعر را همراه با توضیحات و اصطلاحات درباره‌ی مصراع، بیت، قافیه و... را به وی آموخت. پس از آن بود که وی به طور رسمی سرودن شعر را آغاز کرد البته وی برخی اشعار را که در متن قید شده است در هنگام اقامت در تهران سروده بود.

ابتدا اکثر شعرهایش را به شریک زندگی‌اش که نام «جیران» را برای وی انتخاب کرده است می‌خواند و جیران نیز او را به سرودن شعر و بروز استعداد نهفته‌اش تشویق می‌کرد و در تمام مراحل زندگانی یار و یاور او بود. حاصل زندگانی آن‌ها سه پسر و چهار دختر است که عطا تربیت و پرورش آن‌ها را مدیون هم‌سر مهربانش می‌داند و در اشعارش بارها از آن یاد می‌کند.

اشعار عطا شامل موضوعات متفاوت است از مذهب گرفته تا سیاست و مسایل اجتماعی و اقتصادی. اما اغلب شعرهایش به موضوعات کشاورزی و محصولات آن مانند خیار، گوجه، بادمجان، سیب زمینی، پیاز و... مربوط می‌شود به همین

خاطر است وی را شاعر تره‌بار نامیده‌اند و جا دارد عطا را اولین شاعر تره‌بار در ادبیات فارسی و ترکی بنامیم چون این شاعر صمیمی و ساده، علاقه‌ی شدیدی به کشاورزی داشت و این علاقه در اشعار وی نمود پیدا کرده است.

در هیجده آبان ماه ۱۳۸۲ روزنامه‌ی اعتماد در مصاحبه‌ای با عطا، وی را شاعر تره‌بار نامیده است. هم‌چنین روزنامه‌ی معین در مصاحبه‌ی مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۸۴ وی را شاعری با چهار شغل سیار دانسته و از علاقه‌ی شدید وی به کشاورزی سخن می‌گوید.

عشق او به طبیعت و کشت و زراعت باعث شده است در میان مردم نیز محبوبیت خاص به دست آورد و به شاعر تره‌بار مشهور شود. خود نیز بر آن افتخار می‌کرد و دوست داشت در میان مردم باشد و در شادی‌ها و غم‌های مردم شرکت می‌کرد و همیشه به فرزندان خود نیز آن را تأکید می‌کرد.

عطا چون فردی متدین و مذهبی بود اکثر شعرهایش در حوزه‌ی اطاعت از حق تعالی و پیروی از اولیای حق سروده شده است. به وطن و وطن‌پرستی نیز بسیار حساس بود و اشعار فراوانی در این باب سروده است.

عطا تقریباً تمامی عمر خود را در فعالیت و کار گذراند طوری که در اواخر عمر در بستر بیماری افتاد، با این حال از کار کردن و شعر گفتن دست برنداشت از جمله اشعاری که در هنگام بیماری سرود، زیارت حضرت امام رضا (ع) بود که خود به زیارت امام شرف‌یاب شد و آن را در حرم مطهر آن امام بزرگوار خواند و به بارگاه اهدا نمود.

علاوه بر خصوصیات ذکر شده می‌توان به مهمان‌دوستی وی اشاره کرد که تقریباً اکثر روزها مهمان داشت و از شهرهای دور و نزدیک میهمانانی به منزلش می‌آمدند و در طول این مدت با این‌که از نظر مالی در مضیق بود اما هیچ‌گاه ابراز ناراحتی

نمی‌کرد و با خوش‌برخوردی و خنده‌رویی از مهمان‌ها پذیرایی می‌کرد و اشعارش را نیز برای آنان می‌خواند.

سرانجام در ۱۱ خرداد سال ۱۳۸۷ در زادگاه خود شهر آستارا، بر اثر بیماری قلبی، دار فانی را وداع گفت و پیکرش را گورستان آستارا به خاک سپردند.

روحش شاد و یادش گرامی باد!

www.ketab.ir